

در مقاله‌ای که تحت عنوان «روشنفکری دینی یک برهان پیش‌فرضی در آراء فقهان نوشته یهودیه میان دو مفهوم سکولاریسم و سکولاریسم به‌کار برده شده بودید. همان‌طور که انتظار می‌رفت این بحث پیش‌فرضی از آنکه توسط محافل فکری راه‌به‌خوب جدید می‌شود، در جهت روشن‌سازی آن‌ها در عنوان کتابی جدید در مورد چگونگی پیش‌فرض‌های رایج و متوجه دهبیسده که تمایز عظیمی میان مسافهم سه‌گانه سکولاریسم، سکولاریسم و لایسیسم قابل می‌شود.

قبل از هر چیز باید عرض کنم که با کمی تسامح می‌توان گفت که اصطلاحات سکولاریسم و لایسیسم تقریباً یک معنای را گرفته می‌شوند.با این تمایز که واژه سکولاریسم بیشتر در کشورها و جوامع پروتستان رواج دارد و واژه لایسیسم در جوامعی که به‌طور سنتی کاتولیک‌ها در آن اکثریت دارند، بنابراین تمرکز بحث را متوجه نیاز میان سکولاریسم و سکولاریسم می‌کنم. تذکر این نکته لازم است که تفکیک این دو را قبل از من بدانند.دیگر نیز انجام داده و در مورد آن بحث کرده بودم و من فقط بر این تمایز تأکید مجدد کردم. سال‌ها پیش آقای داریوش آشوری به عنوان برادر نهاده فارسی برای این مفهیم واژه‌های «دین‌گریزی و «دین‌جدایی» را پیشنهاد کرده بودند. به گمان من با توجه به تعاریف این دو بر سایر نهادهای مناسب هستند. بنابراین سکولاریسم(Secularism) و «مادل دین‌گریزی» و سکولاریسم(Secularization) (معادل دین‌جدايي) می‌گیرم.

آن‌جا که من نام اصطلاح دین‌جدايي (سکولاریسم) در سال ۱۳۶۶ میلادی توسط دوک دولنگویلی (Duc de Longueville) نامیده فرانس، در مذاکرات مربوط به خاتمه جنگ ۱۳سالهٔ ناپه‌ای به معاهده وستفالی انجامید خلق و ایجاد شد، چراکه این باسب دادن به‌مطالبات ارضی سوئد و براندورگ دولت سابق آلمان که می‌خواست برلین بود برخی از دین‌های کلیسیا می‌بایست به قدرت سیاسی داده می‌شد.

سکولاریسم به اصطلاح کلیسیایی بود که دولنگویلی به شکل دیپلماتیک برای توصیف این کار به کار برد تا بدین طریق مانع دو طرف از تأمین کند. اصطلاح سکولاریسم (دین‌جدايي) امروز بیشتر به عنوان مفهومی برای توصیف و تحلیل یکی از فرایندهای عمده مدرن را کار بردمی‌شود. امروز ما درحقیقت به این نظر به‌کار ما امیدیم که به‌ویژه در جامعهٔ شناسی بحث دین‌شناسی سکولاریسم‌گرایان سکولاریسم‌شناسه می‌شوند. این نظر به‌کار ما به مطالعهٔ تحولی می‌بروید که می‌رواند که در زمینهٔ رخ داده‌است، یکی در زمینهٔ میزان عضویت افراد در مساجد و سازمان‌های دینی و باورهای ابراهیمی دسته‌های مسلمانک و معارف دینی؛ دیگری در زمینهٔ نفوذ اجتماعی، ثروت و عضویت در هیئت‌های دینی و به‌ویژه توسعهٔ این نهادها؛ سومی در زمینهٔ به‌صرفه‌انرژی‌ها و آرزوهای دینی و میزان تعصب دینی در جوامع. بنابراین در مباحث جدید سکولاریسم برای توصیف این فرآیند تاریخی امروز بهره‌برداری قرار گرفته‌است. این فرآیند تاریخی در کشورهای غربی (کشورهای صنعتی و قدرتمند سوسی) با چند خصوصیت شناخته می‌شود.

اولاً این کشورها دینیک تنها عامل سازمان‌دهنده و تنظیم کنندهٔ زندگی اجتماعی نیستند؛ بلکه تا حدودی با مراسم (مراسم نهاد قدرت) و اخلاق و ارزش‌های اجتماعی، ادبیتش و به هم‌همگی غریبیتش دارند. این جوامع برای حل مسائل خویش از منابع و مراجعی غیر از دین بهره می‌گیرند.

ثانیاً در این کشورها دین نقش نهادی و نمادی خود را از دست داده‌است. همهٔ نقش‌هایی را که در گذشته روحانیون و ذیل عنوان‌های این‌جام می‌دانند امروز برعهدهٔ دولت قرار گرفته و ذیل عنوان‌های غریبیت انجام می‌شود.

ثالثاً در این جوامع نوعی خصوصی شدن باورها و اعتقادات مذهبی رخ داده‌است و محور بودن یک مذهب نیز از میان رفته‌است.

این سرنوشت متحجم همهٔ جوامعی که مدرن می‌شوند نیست.

**درفران دن‌جلس حااکتری بطورمقتفی بایدیک «دین‌جدايي حادقائي» نیز جورد داشته‌باشد.شخصتات**

**این دین‌جدايي حادقائي چیست؟**

دین‌جدايي (سکولاریسم) حادقائي به معنای فرآیند تفکیک و تمایز ساخت‌های قدسی و عرفی از یکدیگر و تعدیل حدود و تبیین مناسبات میان آنهاست.

**مصاحبه با علی رضاعلوی نبار**

# سکولاریسم و سکولاریسیون

## [دین‌گریزی و دین‌جدايي]

و هم «معبود» می‌نامم. این‌توأم با سکولاریسم (دین‌گریزی) موافق و همسو باشم. اما در مورد سکولاریسم حادقائي، به نظر می‌رسد که واقعت موجود عرفی را (به آیندهٔ آن) را به‌طور معتبر توصیف می‌کند. اما را در توصیف تحولات در حال انجام در کشورهای اسلامی امروقی نمی‌بینم.

**بنا براین با توجه به توضیح قبلی شما چچ توضیح و تجویزی در مورد سکولاریسیون در جوامع**

بحث می‌کنم برخی از پیش‌فرض‌ها و مشخصات را برمی‌شمارم:

حقوق سیاسی کاملاً برابریز بودن هیچ امتیاز سیاسی برای هیچ‌کدام؛
شکل بردن میان دین و اشکال تاریخی آن، محتوا و شکل بیرونی اش، جوهر ذاتی و عارضه‌های خاص اش، همان تفکیکی که دکتر شریعتی میان اسلام و اسلام‌شناسی قائل می‌شود و دکتر سروش میان دین و معرفت‌بینی قائل می‌شود. یک‌پدمانی تفکیک این است که بگوییم فطرت‌ت رسمی و وجود ندارد و هیچ حق حقیقی در طرف دیگر موجود نیست چرا که در تعیین محتوای فعالیت‌های این نهادها دینی دخالت کند. حکومت حق ندارد مرجعی را از گفتن دیدگاه‌دهی اش بازدارد. حکومت حق ندارد جزو طرح مباحث دینی بیاورد. حکومت ندارد بگیرد یا کتیب دینی را با توجه به سلیقه‌اش سانسور کند. مباحث دینی نباید حتی از مصالح و نفوذ قدرت حاکم باشد.

۴. تفکیک «ملت» و «امت» مبنای حکومت‌گد

جوامع امروزیی با املت‌است. یعنی گروهی از افراد که به دلیل مالکیت مشاعی که بر یک سرزمین خاص دارند و با توجه به حکومت واحدی که تشکیل داده‌اند از حقوق برابر و یکسان شهروندی برخوردارند. باید در آراء امور حکومت خویش مشارکت داده شوند. در حالی که امت، اجتماعی است که اساس آن عقاید دینی (امذهبی) مشترک است. مالکان مشاعی که ملت ایران را شکل می‌دهند. اساس آن نیز عقاید یک‌پد، متفاوت باشند. و این نظر سلیسه‌ها مرتب ایمان نیز در سطوح مختلف قرار می‌گیرند اما از حقوق برابر مزنی برخوردار باشند. سرکند عرقانی با سلسله‌آمان ایران از یک‌پد است محسوب می‌شود اما دو ملت متعلق اند.

۵. حضور طبیعیت دین در عرصه سیاست. در جامعه‌ای که مردم در آن ارادهٔ مؤمنانهٔ ریاستن دارند و می‌خواهند زندگی فردی و جمعی خود را با احکام و ارزش‌های دینی تسامب و همسوی بخشند، طبیعتی است که دینداری اثری غیر قابل انکار بر سیاست می‌گذارد. انتخاب‌های فرد در مشی اساسی او اثر می‌گذارد و سیاست‌مداران رنگ و بوی دینی می‌گیرند. افراد می‌توانند از طبیعت مردم‌سالاری دینی تبرکند.

رفتارهای حکومت و دین برکردن قوانین حاکم بر جامعه تلاش کنند. سکولاریسیون حادقائي، دین و ارزش‌ها و جمعی بیرون نمی‌کند. امکان حضور دمکراتیک در عرصهٔ عمومی را برای آن فراهم می‌آورد. روشن است که این حضور کم‌کم با معنای خاص آن تحصیصی صورت می‌گیرد و هم‌را با رقابت حادقائي سکولاریسم‌گرایان، حضور دین در سیاست در اینجا پدید می‌آید. از مجرای نهادها می‌ماند.

**برای آفتاب گفتن قدس‌قوری روشن‌تر شود می‌توانید مصاحبی از گفتن سکولاریسیون حادقائي در جامعهٔ خودمان مثال بزنید؟**

دین‌گرایان، حسینیه‌ها و... از مقاصد این نهادهای دینی هستند. مقابلهٔ نهادهایی ارادیم که کارکرد آنها تولید و توزیع قدرت است. به آنها نباید قدرت نهادهای سیاسی می‌گوییم. وقتی از استقلال این نهادها صحبت می‌کنیم، منظور این نیست که روابط حق ندارد در سیاست دخالت کند. مباحث با حوزه‌های دینی سیاست‌ها و دخالت، بحث با مباحث این است که روابطی بودن یا مدرس حوزهٔ دین سیاست بودن به تکیه‌های فردی حق ندارند. از عرصهٔ سیاست جدا می‌کند. یک فرآورد روحانی (در هر سطحی که باشد) نه‌سب از آنکه توسط مردم برگزیده‌شده و از مجرای مردم‌سالارانه گذر کرد می‌تواند

بست سیاسی اشغال کند. روحانیان با سبک‌سازی بست سیاسی کاملاً برابریز بودن هیچ امتیاز سیاسی برای هیچ‌کدام؛
شکل بردن میان دین و اشکال تاریخی آن، محتوا و شکل بیرونی اش، جوهر ذاتی و عارضه‌های خاص اش، همان تفکیکی که دکتر شریعتی میان اسلام و اسلام‌شناسی قائل می‌شود و دکتر سروش میان دین و معرفت‌بینی قائل می‌شود. یک‌پدمانی تفکیک این است که بگوییم فطرت‌ت رسمی و وجود ندارد و هیچ حق حقیقی در طرف دیگر موجود نیست چرا که در تعیین محتوای فعالیت‌های این نهادها دینی دخالت کند. حکومت حق ندارد مرجعی را از گفتن دیدگاه‌دهی اش بازدارد. حکومت حق ندارد جزو طرح مباحث دینی بیاورد. حکومت ندارد بگیرد یا کتیب دینی را با توجه به سلیقه‌اش سانسور کند. مباحث دینی نباید حتی از مصالح و نفوذ قدرت حاکم باشد.

۴. تفکیک «ملت» و «امت» مبنای حکومت‌گد

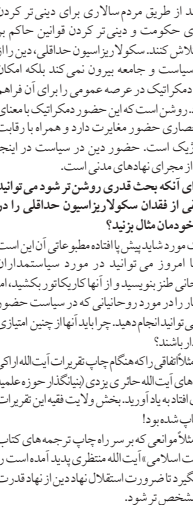
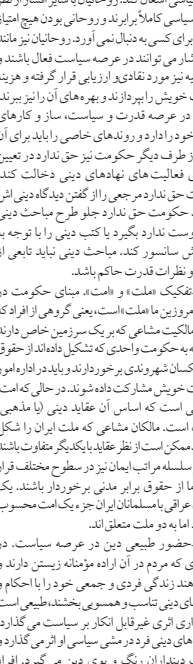
جوامع امروزیی با املت‌است. یعنی گروهی از افراد که به دلیل مالکیت مشاعی که بر یک سرزمین خاص دارند و با توجه به حکومت واحدی که تشکیل داده‌اند از حقوق برابر و یکسان شهروندی برخوردارند. باید در آراء امور حکومت خویش مشارکت داده شوند. در حالی که امت، اجتماعی است که اساس آن عقاید دینی (امذهبی) مشترک است. مالکان مشاعی که ملت ایران را شکل می‌دهند. اساس آن نیز عقاید یک‌پد، متفاوت باشند. و این نظر سلیسه‌ها مرتب ایمان نیز در سطوح مختلف قرار می‌گیرند اما از حقوق برابر مزنی برخوردار باشند. سرکند عرقانی با سلسله‌آمان ایران از یک‌پد است محسوب می‌شود اما دو ملت متعلق اند.

۵. حضور طبیعیت دین در عرصه سیاست. در جامعه‌ای که مردم در آن ارادهٔ مؤمنانهٔ ریاستن دارند و می‌خواهند زندگی فردی و جمعی خود را با احکام و ارزش‌های دینی تسامب و همسوی بخشند، طبیعتی است که دینداری اثری غیر قابل انکار بر سیاست می‌گذارد. انتخاب‌های فرد در مشی اساسی او اثر می‌گذارد و سیاست‌مداران رنگ و بوی دینی می‌گیرند. افراد می‌توانند از طبیعت مردم‌سالاری دینی تبرکند.

رفتارهای حکومت و دین برکردن قوانین حاکم بر جامعه تلاش کنند. سکولاریسیون حادقائي، دین و ارزش‌ها و جمعی بیرون نمی‌کند. امکان حضور دمکراتیک در عرصهٔ عمومی را برای آن فراهم می‌آورد. روشن است که این حضور کم‌کم با معنای خاص آن تحصیصی صورت می‌گیرد و هم‌را با رقابت حادقائي سکولاریسم‌گرایان، حضور دین در سیاست در اینجا پدید می‌آید. از مجرای نهادها می‌ماند.

**برای آفتاب گفتن قدس‌قوری روشن‌تر شود می‌توانید مصاحبی از گفتن سکولاریسیون حادقائي در جامعهٔ خودمان مثال بزنید؟**

دین‌گرایان، حسینیه‌ها و... از مقاصد این نهادهای دینی هستند. مقابلهٔ نهادهایی ارادیم که کارکرد آنها تولید و توزیع قدرت است. به آنها نباید قدرت نهادهای سیاسی می‌گوییم. وقتی از استقلال این نهادها صحبت می‌کنیم، منظور این نیست که روابط حق ندارد در سیاست دخالت کند. مباحث با حوزه‌های دینی سیاست‌ها و دخالت، بحث با مباحث این است که روابطی بودن یا مدرس حوزهٔ دین سیاست بودن به تکیه‌های فردی حق ندارند. از عرصهٔ سیاست جدا می‌کند. یک فرآورد روحانی (در هر سطحی که باشد) نه‌سب از آنکه توسط مردم برگزیده‌شده و از مجرای مردم‌سالارانه گذر کرد می‌تواند



**دین‌جدايي حادقائي در سطح ایده‌ها یعنی به رسمیت شناختن عقل مدرن (فعل مقدس‌اند) و تبیین نسبت این عقل و ستاروهدای بلاغیصل آن با دین. در سطح اجتماع نیز معنای تفکیک نهادی دین از نهاد قدرت است.**

**قبل از آنکه وارد بحث دیگری شویم برداشت خود را از مفهوم سکولاریسم (دین‌جدايي) به توضیح برسانید.**

**دین‌گریزی از بی‌گویی.**

در جریان مبارزاتی که در غرب علیه سطهٔ نهادهای دینی (به‌طور مشخص کلیسا) در قرن نوزدهم صورت می‌گرفت، خودسته‌های مخالفان کلیسا در قالب سکولاریسم (دین‌گریزی) با آرزوهای یافت. سکولاریسم یک ایدئولوژی ضد دینی است که با مطلق کردن ارزش‌های دنیوی، هرگونه تأثیر میان‌انسان‌شنا را رد می‌کند و آنکه اهداف صدق تجزیت و باورهای دینی را نادیده می‌ماند.

**تا اینجا بحث توصیفی و بدون موضع‌گیری بود. پیش‌من این است که موضع دیدگاه‌ شما در این موارد چیست؟**

همان‌طور که توضیح دادم ما دو موضوع مواجیم. یک طرف یک ایدئولوژی قرار دارد (سکولاریسم) و یک طرف دیگر توصیفی از این فرآیند تاریخی (سکولاریسیون) از این رویشایی به‌گونهٔ نو واد می‌بارد در مورد آثار داری که به عنوان یکی از بارر که حیاتی‌ترین عناصر این نوعی توصیف شده‌است، دین زندگی و مرگ خویش می‌نامم و دین الهی را «حق»

